

سلامت روان

پشت ترافیک سنگین

گفت وگو با دکتر بهنام بهراد
عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

گفت وگو: محمدرضا حشمتی

عکس: رضا بهرامی



بهنام بهراد، دکترای روان‌شناسی سلامت از دانشگاه تهران دارد. او عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، مشاور پژوهشی رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و مدیر گروه اختلالات رفتاری است. حوزه تخصصی و مطالعاتی او در ۱۰ سال گذشته، آماده‌سازی برنامه‌های معتبر و مبتنی بر شواهد در حوزه سلامت روان و ارتقای مهارت‌های عاطفی و اجتماعی، پیشگیری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در کودکان و نوجوانان در محیط‌های مدرسه و نظام آموزش و پرورش بوده است. آنچه می‌خوانید بخش دوم گفت‌وگو با وی در مورد آسیب‌های اجتماعی - روانی - عاطفی بچه‌ها به سبب نبود حضور در مدرسه (در بحران کرونا) است که آقای ائلدار محمدزاده صدیق آن را تنظیم کرده است.



برای دسترسی به
بخش اول این گفت‌وگو
اسکن کنید.

و آسیب‌ها، اطلاعات و آمار دقیقی در کشور ما وجود ندارد. ولی به‌طور متوسط بین ۲۰ تا ۳۰ درصد دانش‌آموزان از نوعی مشکلات روان‌شناختی تا انواع اختلالات و آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برند.

مداخلات در جامعه دانش‌آموزی چگونه باید باشد؟

غالباً وقتی در جامعه دانش‌آموزی مداخلاتی انجام می‌دهیم، این مداخلات زیرلایه‌های مشکلات یا اختلالات را هدف قرار می‌دهند. زیرلایه‌های مشکلات یا آسیب‌های اجتماعی تقریباً در تمام جوامع و برای اغلب آسیب‌ها و مشکلات روان‌شناختی یکسان هستند و وقتی این زیرلایه‌ها هدف قرار می‌گیرند،

شیوع انواع آسیب‌ها و اختلالات روان‌شناختی در جامعه دانش‌آموزی ما چگونه است؟

مطالعات جامعی که نهادهای مسئولی مانند وزارت بهداشت یا آموزش و پرورش انجام داده باشند و نرخ شیوع انواع اختلالات را در جمعیت‌های دانش‌آموزی یا کودکان و نوجوانان به‌طور رسمی گزارش کرده باشند، وجود ندارد. کم و بیش میزان شیوع اختلالات و آسیب‌ها بین جوامع تا حدودی مشابه است. ما نیازمند مطالعات پیمایشی متعدد و دوره‌ای در این زمینه هستیم تا به درستی روندها را پایش و تأثیر برنامه‌ها، سیاست‌ها و مداخلات را ارزشیابی کنیم. در هر حال، در زمینه مطالعات مربوط به نرخ شیوع انواع اختلالات

رشد شخصیتی، عاطفی و جنبه‌های روان‌شناختی کودکان و نوجوانان تسهیل و از اختلالات و آسیب‌های اجتماعی پیشگیری می‌شود. وقتی آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، خشونت، پرخاشگری، بزهدکاری و غیره را بررسی می‌کنید، می‌بینید یک زیرلایه مشترک بین آن‌ها وجود دارد. افرادی هستند که از مهارت‌های عاطفی و اجتماعی لازم برخوردار نیستند. خانواده‌ها یا والدین آن‌ها مهارت‌های مناسب فرزندپروری یا رفتار مناسب با کودکان را ندارند. و یا یک مجموعه شرایط اجتماعی و محله‌ای وجود دارد که شرایط بروز این اختلالات و آسیب‌ها را فراهم می‌کند. غالباً برنامه‌ها به لحاظ علمی و مدلی طوری طراحی می‌شوند که مشکلات زیربنایی را هدف قرار می‌دهند و کاملاً پیشگیرانه‌اند. در یک جمعیت دانش‌آموزی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد دانش‌آموزان مشکلی ندارند و عادی و طبیعی تلقی می‌شوند. دانش‌آموزان در معرض خطر و مشکل‌دار در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت دانش‌آموزی را در بر می‌گیرند. هدف از مداخله

در گروه طبیعی و بهنجار، ارتقای سلامت روان و پیشگیری از رشد اختلالات و انواع آسیب‌هاست. هدف از مداخلات در ۲۰ تا ۳۰ درصد باقی نیز ضمن پیشگیری، کاهش اختلالات و آسیب است.

گاهی آسیب ناخواسته به وجود می‌آید که می‌تواند در فضای مدرسه باشد. در این نگاه، فکر می‌کنید ما گرفتار چه آسیب‌هایی شده‌ایم؟ بچه‌ها برای آموزش و رشد ارتباطات اجتماعی به مدرسه می‌آیند. در حالی که ما از اسفند سال ۹۸ مدرسه را تعطیل

کرده‌ایم و گرفتار چنین آسیبی هستیم؛ آسیبی که از منظر فردی یا اجتماعی، چه بخواهیم، چه نخواهیم، دارد اتفاق می‌افتد. این آسیب را به‌عنوان مدیر مدرسه چگونه می‌توان کاهش داد؟

این موضوع بحثی فراتر از آسیب‌های اجتماعی است. ما با بحرانی روبه‌رو شده‌ایم که یادگیری و نظام آموزشی را در کل جهان به چالش کشیده است. این بحران پیامدها و تبعاتی روان‌شناختی نیز دارد که از مدیر و جامعه و معلم و دانش‌آموز و خانواده‌ها، همه با آن درگیرند. بخشی از این پیامدها جنبه‌های یادگیری دارند. هدف آموزش و پرورش به شکل سنتی آن، یادگیری در موضوعات شناختی مانند خواندن و نوشتن، ریاضی و علوم است. این مهارت‌ها به مهارت‌های پایه معروف هستند. پژوهش‌های بسیار گسترده در سطح جهان مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، یونسکو، بانک جهانی، یونسف، و مطالعات بزرگ‌مقیاسی مانند تیمز و پرلز و پیزا نشان می‌دهند، این مهارت‌ها زمینه‌های رشد و توسعه جوامع را فراهم می‌کنند.

مطالعاتی اساسی در حوزه اقتصاد آموزش و پرورش و اهمیت حیاتی مهارت‌های پایه صورت گرفته است. افرادی نظیر **هانوشک و ووزمان** که اقتصاددان‌های صاحب‌نظر در این

حوزه هستند، عنوان می‌کنند: وقتی یادگیری این مهارت‌ها مشکل پیدا می‌کند، رشد و توسعه جوامع با چالش جدی مواجه می‌شود و یادگیری بچه‌ها مشکل پیدا می‌کند. جامعه ما نیز از این امر مستثنا نیست. خوب به‌طور طبیعی غیر از مهارت‌های شناختی، رشد عاطفی و اجتماعی کودکان نیز مشکل پیدا خواهد کرد. در اینجا مسئله مهم دوره‌های حساس رشد هستند. مغز کودکان و نوجوانان در حال رشد است و فقر تحریکات محیطی لازم، این رشد را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد. به این ترتیب، به قطع و یقین، وقتی کودکان و نوجوانان به مدرسه نمی‌روند، فقر محیطی، رشد عاطفی و اجتماعی آن‌ها را با چالشی جدی مواجه خواهد ساخت. در بحثی در کارگروه مطالعات فوری پژوهشگاه مطالعات با عنوان «توصیه‌های عملی و سیاستی در حوزه ارتقای سلامت روان در نظام آموزش و پرورش»، به این موضوع دقیق‌تر پرداخته‌ایم. می‌توانید این شکل را اسکن کنید و بخوانید.

یکی از مهم‌ترین مشکلات کنونی در سراسر جهان، به دلیل مشکلات ارتباط در فضای مجازی و مسائل مرتبط با آن است که افت یادگیری را در بچه‌ها سبب شده است. این یک بحران بین‌المللی است و صحبت‌ها سر این است که آثار زیانبار آن می‌تواند بسیار زیاد باشد و نسلی را در خطر قرار دهد. در این رابطه چه کارهایی را می‌توان در مدرسه انجام داد؟

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با همکاری یونسکو و بانک جهانی، پیمایشی را در این زمینه در کشورهای مختلف انجام داده و این موضوع را بررسی کرده‌اند که نظام‌های آموزش و پرورش چه اقدامات و فعالیت‌هایی را به‌منظور کاهش آثار زیانبار این بحران بر یادگیری دانش‌آموزان انجام داده‌اند. بر اساس این پیمایش، از جمله اقدامات مؤثر نظام‌های آموزشی، تنظیم برنامه‌های تدریس معلم، تشویق ارتباط مستمر معلمان با دانش‌آموزان، تدابیر فراگیر و گسترده حمایتی برای تشویق جمعیت‌های دانش‌آموزی آسیب‌پذیر برای بازگشت به مدرسه، استفاده از راهبردهای گوناگون به‌منظور کاهش شکاف‌های یادگیری مانند سنجش شکاف‌های یادگیری، تدابیر ترمیمی و بازآموزی، تدابیر ترمیمی ویژه معطوف بر دانش‌آموزان در معرض ترک تحصیل، تدابیر ترمیمی و ویژه معطوف بر دانش‌آموزان در حال گذار به دوره‌های تحصیلی بعد و غیره بوده‌اند. در شرایط کنونی، به دلیل افت یادگیری و طولانی شدن زمان تعطیلی مدرسه‌ها، میزان ترک تحصیل بالایی خواهیم داشت.

حتی اگر از فردا واکسیناسیون و همه امکانات و تسهیلات فراهم شوند، بازگشت دانش‌آموزان به مدرسه کار بسیار دشواری است و این موضوع در کشورهای گوناگون از جمله کشور ما چالش‌هایی جدی ایجاد کرده است. یکی از

یکی از چیزهایی که در برنامه‌هایمان باید به آن توجه کنیم، آموزش معلمان در زمینه آموزش‌های هیبریدی و آموزش مجازی و چگونگی تدریس در این فضا است



است. نظام آموزشی ما دچار یک استرس همه‌جانبه شده است. نه مواد آموزشی، نه معلم، نه بستر، نه زیرساخت‌های دسترسی به اینترنت، هیچ‌یک آماده نبوده‌اند. بنابراین مدرسه باید خود را با توجه به مسائل گفته‌شده برای دوران پسا کرونا و چالش‌های جدید آماده کند.

بدین منظور مدرسه‌ها چه کارهایی را می‌توانند انجام دهند؟
آموزش معلمان در زمینه مدیریت استرس. آموزش معلمان حتی در مسائل آموزشی نیز باید مد نظر قرار گیرد. برخی فکر می‌کنند مداخله در استرس یعنی مداخله در زمینه‌های روان‌شناختی صرف که این‌گونه نیست. وقتی معلمی را به لحاظ مهارتی آماده می‌کنید، وقتی گروه‌هایی به معلمان در زمینه‌ی طرح درس کمک می‌کنند، همین امر اقدام پیش‌اندیشانه برای کاهش استرس و سلامت روان‌شناختی است.

مدیران مدرسه چه کار می‌توانند بکنند؟

کارهای زیادی هست که می‌توانند انجام دهند. با توجه به منابع در اختیار، آموزش معلمان در زمینه‌های گوناگون، تدوین طرح درس‌ها، سنجش دانش آموزان، به اشتراک گذاشتن مسائل و مشکلات شخصی و عاطفی در گروه‌هایی که در مدرسه تشکیل می‌شوند، نوشتن تجربه‌های عاطفی و استرس‌ها، آموزش معلمان و کارکنان در کلاس‌های مدیریت استرس، تدوین کتابچه‌هایی در این زمینه توسط مناطق و مدرسه، تشویق و حفظ روابط مثبت در مدرسه، توزیع مسئولیت و به مشارکت گرفتن افراد در تصمیمات و اقدامات آموزشی و سازمانی، تشویق روحیه همکاری و کمک به یکدیگر در امور گوناگون ارزشیابی معلمان و کارکنان بر اساس این معیار، تشویق روابط محترمانه و عاطفی بین معلمان و دانش‌آموزان و بسیاری دیگر از اقدامات مفید مدیران مدرسه‌ها می‌توانند باشند.

با توجه به نگاه سیستم‌تیک شما، من به عنوان مدیر چه بکنم که این آسیب کمتر باشد؟ در واقع توصیه‌های کاربردی شما چیست؟

بخشی واقعاً سیستمی است. برای حل مشکلات اساسی آموزش و پرورش که موضوع سلامت روان نیز از آن جمله است، راه میانبری وجود ندارد. ساده‌انگاری است اگر بگوییم با چند توصیه مسائل و مشکلات مدرسه قابل حل یا به شکل جدی قابل کاهش هستند! بخشی از توصیه‌ها را نیز در مبحث پیشین ارائه کردیم. تمام توصیه‌های مقطعی ما فقط کمکی و موقتی هستند. ما نیازمند تغییر نظام آموزش و پرورشمان هستیم. مدیر بخش پیرای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی عبارت زیبایی دارد و آن اینکه «کشورها انتخاب می‌کنند که نظام آموزش و پرورش موفقی داشته باشند». این یک انتخاب است. این انتخاب امکان همه‌گونه سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند. هر قدر معلمان و مدیران ما ضعیف‌تر و کیفیت پایین‌تری داشته باشند، نظام آموزش و پرورش

راهکارها این است که مدرسه‌ها ارتباطشان را با دانش‌آموزان افزایش دهند. ارتباط مشاوره‌ای، ارتباط برای انجام تکالیف، ارتباط با اولیا و غیره می‌تواند بسیار مفید باشند. ایجاد سازوکارهایی برای ردیابی و پیگیری افرادی که به مدرسه بازنگشته‌اند، مشارکت اجتماعی و خانوادگی به‌منظور تشویق بازگشت به مدرسه، تدابیر مشوق‌های گوناگون، ایجاد جوامع حرفه‌ای مانند جوامع معلمی به‌صورت مجازی، به‌منظور تبادل دانش و تجربه بسیار مفیدند. موضوع بسیار مهم دیگر ردیابی و پیگیری میزان یادگیری دانش‌آموزان، میزان پیشرفت، همکاری و همفکری با خانواده‌ها به‌منظور رسیدگی به مشکلات دانش‌آموزان است که همگی می‌توانند بسیار مفید واقع شوند.

آموزش معلم یکی دیگر از کارهاست. معلمان ما آموزش ندیده‌اند و وقتی آموزش ندیده‌اند، چگونه می‌خواهند آموزش دهند. ما براساس نتایج تیمز و پرلز می‌دانیم که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ما عملکرد لازم، بایسته و شایسته‌ای نیست و یکی از جاهایی که در آن خیلی ضعیف هستیم، مهارت‌های معلمان در فضای آموزش حضوری و غیرمجازی است. همین معلم با مهارت‌های کم به فضای مجازی آمده است. بنابراین، یکی از چیزهایی که در برنامه‌هایمان باید به آن توجه کنیم، آموزش معلمان در زمینه آموزش‌های هیبریدی و آموزش مجازی و چگونگی تدریس در این فضا است. یادگیری روش‌های تدریس و پداگوژی مربوط، تدوین طرح درس در چنین فضای، چگونگی ارزشیابی و موارد دیگر، چیزهایی هستند که معلمان باید بیاموزند و مدرسه باید در این زمینه‌ها با همکاری مناطق برنامه‌ریزی کنند.

ما کشوری هستیم که با مشکلات متعددی غیر از کرونا مواجهیم؛ از آن جمله تغییرات آب و هوایی، تعطیلی‌های مدرسه به علت آلودگی هوا، تشدید گرما به سبب تغییرات آب و هوایی جهانی و غیره که باید به ما این ایده را بدهند که برای آینده برنامه‌ریزی کنیم و تمام محتواهایمان را الکترونیکی و برخط کنیم. مثالی بزنم: کشور استونی نظام آموزش و پرورش خیلی خوبی دارد، اما متوسط سرمایه‌گذاری آن در بخش آموزش و پرورش پایین‌تر از متوسط کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است. حتی در مقایسه با کشورهای اروپایی پرداختی‌های کمتری به معلمان‌شان دارند. این کشور براساس گزارش مطالعه تالیس (سال ۲۰۱۸) تا پیش از کرونا، ۱۰۰ درصد مواد آموزشی خود را به‌صورت دیجیتال و برخط آماده داشته است.

ما متأسفانه برای بحران‌ها آمادگی لازم را نداریم. یکی از مواردی که در روان‌شناسی مهم است و از آثار زیانبار استرس‌ها می‌کاهد، اقدامات و کارهای پیش‌اندیشانه است. در واقع آینده‌نگری است. آینده‌نگری این امکان را به افراد و سازمان‌ها می‌دهد که در آینده استرس کمتری را تحمل کنند. افرادی که منابع اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و محیطی خود را رشد و توسعه می‌دهند و به خدمت می‌گیرند، در آینده دچار استرس کمتری می‌شوند و استرس کمتر به معنای پیشگیری و سلامت بیشتر و بهتر



افرادی که منابع اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و محیطی خود را رشد و توسعه می‌دهند و به خدمت می‌گیرند، در آینده دچار استرس کمتری می‌شوند و استرس کمتر به معنای پیشگیری و سلامت بیشتر و بهتر است

استرس بیشتری را تجربه می‌کند و خروجی آن از کیفیت لازم برخوردار نخواهد بود. بنابراین، باید کیفیت نظام آموزشی را در اولویت قرار دهیم. باید به این فهم لازم برسیم که سهم آموزش و پرورش در GDP تعیین‌کننده نقش آموزش و پرورش در افزایش GDP جوامع است. باید به این درک و دانش برسیم که آموزش خوب و با کیفیت، زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی جوامع است.

یکی از کارها، توزیع مسئولیت‌ها در سطح مدرسه است. عادت کرده‌ایم همه تصمیمات و اداره مدرسه توسط مدیر انجام شود. امروز صحبت از رهبران آموزشی در مدرسه است. معلمان خوب ما باید الگوی معلمان ضعیف‌تر شوند و آموزش آن‌ها را بر عهده بگیرند و این در ارزیابی آن‌ها امتیاز داشته باشد. اگر بهترین معلمان و منابع را داشته باشید، اما مدیریت مدرسه خوبی نداشته باشید، این مدیریت نامناسب و بی کیفیت مدرسه، تمامی منابع را ضایع خواهد ساخت. باید از مدیریت فردی به سمت مدیریت جمعی حرکت کنیم؛ یعنی توزیع مسئولیت و از همه مهم‌تر نظام ارزشیابی و انتصابات سالم و شایسته‌محور. مثلاً استان شانگهای و چند

استان دیگر چین در معروف‌ترین سنجش پیشرفت آموزشی جهان، یعنی پی‌زا، شرکت می‌کنند. این استان‌ها در کل، در پی‌زای ۲۰۱۸ و پیش از آن رتبه اول جهانی را در خواندن و نوشتن، ریاضیات و علوم، در بین ۸۰ کشور شرکت‌کننده، دارند. یکی از کارهایی که مثلاً در نظام آموزشی شانگهای متداول است، این است که مدرسه موفق از مدرسه ضعیف پشتیبانی می‌کند. معلمان قوی از معلمان ضعیف حمایت

می‌کنند و معلمان دارای تجربه‌های موفق باید بتوانند تجربه‌های موفق خود را در مدرسه دیگر نیز نشان دهند. از همه مهم‌تر معاون یک مدرسه زمانی می‌تواند به مدیریت برسد که بتواند به دو یا چند مدرسه دیگر کمک کند تا سطح عملکرد خود را به شکل جدی ارتقا دهند. بنابراین، هر کسی بر مسند مدیریت مدرسه نمی‌نشیند.

راهکارهای زیادی وجود دارند که مدرسه و مناطق باید آن‌ها را تشویق و توسعه دهند. مدرسه قوی باید از مدرسه ضعیف و متوسط پشتیبانی کند. ما مدرسه‌های استعدادهای درخشان را داریم که مدرسه‌هایی قوی هستند و می‌توانند کمک کنند مدرسه‌های متوسط دولتی رشد کنند و مدرسه‌های متوسط هم کمک کنند مدرسه‌های ضعیف‌تر ارتقا پیدا کنند تا به این ترتیب شاهد ارتقای نظام آموزشی باشیم.

چیزی که من می‌فهمم این است که از دانش جهانی در حوزه تعلیم و تربیت عقب هستیم. دانش ما در حوزه نظام آموزش و پرورش به روز نیست. ما نیازمند تقویت مراکز علمی و پژوهشی درون آموزش و پرورش هستیم که بتوانند دانش لازم را به این نظام انتقال دهند تا سیستم تجربه‌های موفق و گوناگون جهانی را در بخش‌های متفاوت پیاده کنند. مشکل ما در آموزش و پرورش حجم دانش روزآمد است. مدیران ما به دلایل گوناگون، به حجم دانش روزآمد

دسترسی ندارند. بارش فکری صرف، بدون دانش ما را به نتیجه لازم نمی‌رساند. ما نیازمند این هستیم که بدانیم در آموزش و پرورش دنیا چه اتفاق‌هایی دارد می‌افتد. ما باید معیارهای ارزشیابی مدرسه و معلمان را تغییر دهیم. معلمی که در مدرسه خود عملکرد خوبی دارد، وقتی موفق است که ارتقای کیفیت عملکرد معلمان دیگر را سبب شود و به تبع آن پاداش بگیرد یا در ارزشیابی او این ملاک مورد توجه جدی قرار گیرد. در زمینه‌های سلامت روان هم همین‌گونه است. در بسیاری از موارد، معلمان و کارکنان آگاهی و دانش لازم مربوط به مسائل سلامت روان را ندارند. آموزش و پرورش ما هنوز نمی‌داند در چه حوزه‌هایی باید سرمایه‌گذاری کند و چگونه عملکرد خود را بسنجد. به بیان دیگر، حواشی آموزش و پرورش ما بیشتر از متن آن است.

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، لطفاً جمع‌بندی فرمایید؟

به‌طور کلی باید بگوییم، تعلیم و تربیت یک علم است و نظام آموزش و پرورش نظام پیچیده‌ای است و با عوام‌گرایی و نبود دانش روزآمد و جهانی و نبود سرمایه‌گذاری کافی و بدون برنامه‌ای درازمدت، مسائل آن قابل حل نخواهند بود. به‌طور خاص، در بحث آسیب‌های اجتماعی، طرح‌هایی که اجرا می‌شوند، در بخش‌های اجرایی خیلی قوی هستند و اگر نگاه کنید تمامی سازمان‌ها و نهادها رادار گیر برنامه می‌کنند، اما متأسفانه در بخش‌های علمی و محتوایی بسیار ضعیف هستند. مبانی علمی کارهای ما در بحث‌های آسیب‌های اجتماعی و مداخلات

ما نیازمند تقویت مراکز علمی و پژوهشی درون آموزش و پرورش هستیم که بتوانند دانش لازم را به این نظام انتقال دهند تا سیستم تجربه‌های موفق و گوناگون جهانی را در بخش‌های متفاوت پیاده کنند

روانی - اجتماعی در سطح مدرسه مشکلات اساسی دارد. «ما نیازمندیم در طراحی برنامه‌ها از مشارکت بخش‌های علمی و پژوهشی مانند پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی استفاده کنیم.» متأسفانه بخش‌های اجرایی نظام آموزش و پرورش آگاهانه یا ناآگاهانه از بازوی علمی و دانشی درون نظام آموزش و پرورش که به مشکلات این نظام اشراف دارند، استفاده نمی‌کنند. خوشبختانه، اخیراً کوشش‌هایی جدی در حوزه سیاست‌گذاری، به‌منظور ضرورت پیوسته‌های مطالعاتی برای تصمیم‌ها و تعیین سیاست‌ها صورت گرفته است.

امیدوارم همکاری بخش‌های مطالعاتی و علمی آموزش و پرورش و بخش‌های اجرایی متولی سلامت روان در نظام آموزش و پرورش به‌صورت جدی شکل بگیرند تا زمینه اجرای مداخلات معتبر و مبتنی بر شواهد در حوزه سلامت روان مبتنی بر مدرسه فراهم شود. سلامت روانی و ارتقای مهارت‌های عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان از ستون‌های اساسی نظام‌های آموزش و پرورش امروزی در سطح جهان است. امروز لازم است از سطح به عمق و از کمیت به سمت کیفیت حرکت کنیم. صرف وجود برنامه‌هایی به نام سلامت روان پاسخگوی نیازهای نظام پیچیده آموزش و پرورش نیست. ما نیازمند برنامه‌های قدرتمند علمی هستیم که مستطهر به پشتیبانی علمی و فنی مراکز علمی و پژوهشی درون این نظام باشند.